

۰۱۱۵

# صفر ہدایت

سلسلہ مباحث معارفی

سید محمد ضیاء آبادی

## برکات غدیر

ووظایف ما

در قبال حضرت علیؑ امیر



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

السلام عَلَى الْمَهْدِيِّ

الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ الْأُمَّةَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ الْكَلِمَ وَ يُلَمَّ بِهِ الشَّعَثَ  
وَ يَمْلَأَ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا وَ يُمَكِّنَ لَهُ وَ يُنْجِزَ بِهِ وَ عَدَ الْمُؤْمِنِينَ



### سعادت دیدار

قال الإمام المَهْدِيُّ عليه السلام:

وَلَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَفَقَهُمُ اللَّهُ لِمَطَاعَتِهِ عَلَيَّ اجْتِمَاعٍ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ  
بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ، لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ  
بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَيَّ حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.

و چنانچه شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد در راه ایفای  
پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند میمنت ملاقات ما، از  
ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان  
می شد، دیداری که بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان  
نسبت به ما انجام می گرفت. «بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۷»

# صَفِيرِ هَدَايَت

مباحث تفسیری سید محمد ضیاء آبادی

عنوان: برکات غدیر و وظایف ما در قبال حضرت علی امیر علیه السلام

ناشر: انتشارات مؤسسه بنیاد خیریه الزهراء علیها السلام

لیتوگرافی: نگین

چاپ: غزال

چاپ اول: مهرماه ۱۳۹۵

شمارگان: ۱۲۰۰۰ نسخه

شماره‌ی مسلسل: ۴۶۱

**WWW.SAFIREHEDAYAT.COM**



بنیاد خیریه الزهراء  
شماره ثبت: ۱۵۰۵۲ نامشروع: ۱۳۹۳

## فهرست مطالب

صفحه

عنوان

---

|    |                                                                             |
|----|-----------------------------------------------------------------------------|
| ۱  | آرزوی علو درجات برای شهدای منا .....                                        |
| ۳  | برکات انتصاب حضرت علی امیر <small>علیه السلام</small> .....                 |
| ۴  | چرا نام مبارک امام علی <small>علیه السلام</small> در قرآن نیامده است؟ ..... |
| ۵  | انتصاب حضرت علی امیر به امر خداوند متعال .....                              |
| ۷  | اشاره‌ای به ماجرای غدیر خم .....                                            |
| ۹  | مفهوم قرآنی نعمت و نعمت .....                                               |
| ۱۲ | ولایت ولی معصوم <small>علیه السلام</small> لازمه‌ی دین .....                |
| ۱۵ | کفران نعمت به جای شکر نعمت .....                                            |

بسم الله الرحمن الرحيم

## آرزوی علو درجات برای شهدای منا

امسال این حادثه‌ی غم‌انگیزِ منا، قلوب همه‌ی مسلمان‌ها را متأثر ساخته است. آنها سعادتمندانی بودند که مهمان خدا شدند و در کنار سفره‌ی خدا در قربانگاهِ منا به شرف لقاء خدا مشرف شدند. آنها خیلی سعادتمند بودند و حتماً میزبان کریم از این مهمان‌های خودش پذیرایی کریمانه خواهد کرد و شکی در آن نیست.

ما هم از همین راه دور از صمیم قلب از خدا می‌خواهیم که «پروردگارا! به حرمت مقربان درگاهت این مهمان‌های خودت را در منا بر رفعت درجاتشان بیفزای و به بازماندگان آنها را صبر جمیل و اجر جزیل عنایت بفرما و همه‌ی ما را مشمول لطف خودت و امام زمان علیه السلام قرار بده و حسن عاقبت نصیبمان بگردان.

روز پانزدهم ذیحجه روز ولادت دهمین امام ما شیعه‌ی امامیه حضرت امام علی التقی الهادی علیه السلام است و سه روز بعد هم روز هجدهم ذیحجه عید بسیار مبارک ما روز عید غدیر است که روز نصب امام امیرالمؤمنین علیه السلام به ولایت و امامت است.

## روشن‌ترین آیه درباره‌ی امامت

از جمله‌ی روشن‌ترین آیات قرآن درباره‌ی امامت و ولایت این آیه‌ی سوم از سوره‌ی مبارکه‌ی مائده است.

﴿الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾

**الیوم** یعنی امروز، این کلمه دوبار در این آیه تکرار شده است. معلوم می‌شود آن روز خیلی پربرکت بوده که خدا روی آن تکیه کرده است. حال آن برکات چه بوده است از جمله‌ی آن برکات اینکه کفار از اینکه به دین اسلام صدمه بزنند، مأیوس شدند و فهمیدند که نخواهند توانست.

در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله کفار سعی داشتند که پیغمبر را شکست داده و اسلام را از بین ببرند، و نتوانستند ولی دلخوش بودند که بزودی پیغمبر چون بشر است از دنیا می‌رود. وقتی از دنیا رفت بساط اسلام برچیده می‌شود آنها به حکومت می‌رسند.

آیه نازل شد که امروز کاری انجام یافته که سبب یأس و ناامیدی کفار گشته و آنها مطمئن شده‌اند که دیگر نخواهند توانست به دین شما مسلمانان صدمه‌ای بزنند بنابراین ﴿لَا تَخْشَوْهُمْ﴾ شما دیگر از آنها نترسید بلکه ﴿وَاحْشَوْنِ﴾ از من بترسید که اگر شما به وظیفه عمل نکنید من خودم شما را از برکات دین محروم می‌سازم. آنگاه آیه را ادامه داده و فرموده است:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛

امروز با نصب امام علی بن ابیطالب علیه السلام به ولایت و امامت دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و راضی شدم که اسلام با این پایه گذاری محکم دین شما باشد.

## برکات انتصاب حضرت علی امیر علیه السلام

بنابراین روز هجدهم ذیحجه با تعیین و تقریر ولی و امام پس از پیامبر

اکرم صلی الله علیه و آله روزی پربرکت شد. برکاتی اینچنین:

۱- کفار از غلبه‌ی بر اسلام مأیوس و نا امید شدند.

۲- با معرفی کردن مبین و مجری دین، دین کامل شد.

۳- اتمام نعمت خدا بر امت مسلمان که در پناه هدایت ولی معصوم به حیات

ابدی و سعادت سرمدی نائل شوند.

۴- دین اسلام با مجهز بودنش به اصول اعتقادی متقن از توحید و نبوت و

امامت و مزین بودنش به مبانی اخلاق فاضله و احکام مبرهن و مستدل صالحه مورد

رضا و پسند خداوند حکیم قرار گرفته است.

این همه از برکات روز نصب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام به ولایت و امامت

بوده است و لذا می‌بینیم خداوند حکیم در آیه‌ی شریفه کلمه‌ی «الیوم» را که به

معنای امروز است دوبار تکرار کرده است.

﴿الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ

دِينَكُمْ...﴾

امروز یعنی از عظمت و پربرکت بودن امروز غافل نشوید و آن را پیوسته مورد

توجه و عنایت قرار بدهید.



## چرا نام مبارک امام علی علیه السلام در قرآن نیامده است؟

حالا البته جا دارد که این سؤال در ذهن انسان مطرح شود که پس چرا با این همه عزّت و عظمت که قرآن کریم برای روز هجده ذیحجه «روز عید غدیر» قائل است و آن روز نصب امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام به امامت و ولایت است پس چرا نه صریحاً اسمی از علی علیه السلام برده و نه سخنی از جریان روز غدیر به میان آورده است؟ در جواب این سؤال در جلسات گذشته بحث مشروحی داشته‌ایم و اجمالش این است که اگر صریحاً اسم علی علیه السلام راجع به ولایت و امامتش پس از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله در قرآن به میان می‌آمد آفتی بزرگ دامنگیر قرآن می‌شد و قرآن به وسیله‌ی دشمن تحریف می‌شد. یعنی منافقین که روی کار می‌آمدند آیه‌ای را که اسم علی علیه السلام در آن بود بر می‌داشتند و این تنها سند نبوّت پیغمبر را دست خورده و لگه‌دار می‌کردند و اصل نبوّت و رسالت پیغمبر زیر سؤال می‌رفت و لذا برای مصونیت قرآن از تحریف و ابقاء سند نبوّت رسول اکرم صلی الله علیه و آله صریحاً اسمی از علی علیه السلام در قرآن نیامده است ولی آیات متعدّدی از قرآن با روشنی تمام، امامت و ولایت علی علیه السلام را اثبات می‌کند که هر انسان منصف غیرمعاند را قانع و خاضع می‌سازد. آیا انصافاً دلالتی روشن‌تر از دلالت این آیه در این باب می‌خواهیم که می‌فرماید:

﴿الْيَوْمَ يَنْسَى الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ...﴾

امروز کافران از غلبه‌ی بر اسلام مأیوس شدند. امروز اسلام برای هدایت جامعه‌ی بشری به طریق سعادت ابدی به نهایت درجه‌ی کمال و تمامیت نعمت الهی رسید. آیا هر انسان عاقلی از دیدن این آیه در قرآن به این فکر نمی‌افتد که آن روز با این همه رفعت و جلالت را بشناسد و بفهمد آخر آن روز چه روزی بوده و در آن چه اتفاقی افتاده که منشأ این همه آثار پربرکت گشته و پایه و اساس نبوت و رسالت پیغمبر اکرم ﷺ را محکم و استوار گردانیده است.

از این رو دشمنان دین در توجیه این آیه به جنب و جوش افتاده و برای کلمه‌ی «الیوم» از پیش خود محمل‌ها ساخته‌اند بعضی گفته‌اند مقصود «روز عرفه» است و بعضی «روز فتح مکه» را گفته و دیگران مصادیق دیگری نشان داده‌اند و هیچ کدام با قرائن موجود در آیه سازگار نمی‌باشد.

### انتصاب حضرت علی امیر به امر خداوند متعال

اما مفسران و محدثان شیعه همگی متفقند که مقصود از «الیوم» روز هجدهم ذیحجه «روز غدیر خم» است که در آن روز پیغمبر اکرم ﷺ به امر و دستور خدا، امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام را به عنوان ولی امر و امام امت و خلیفه و جانشین بعد از خود تعیین و معرفی فرموده است و جالب اینکه قبلاً این آیه‌ی تهدیدآمیز به رسول اکرم ﷺ نازل شده بود:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾<sup>۱</sup>

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷.

ای رسول! وای رساننده‌ی پیام من به بندگان من! آنچه را که راجع به امامت و خلافت علی بن ابیطالب پس از خودت به تو از جانب ربّ و پروردگارت نازل شده است به مردم برسان و ابلاغ کن و اگر این کار را نکنی هیچ رسالتی از جانب خدایت انجام نداده‌ای و اصلاً در زمره‌ی رسولان خدا به حساب نخواهی آمد.

یعنی خداوند حکیم به رسول گرامی اش اعلام کرده که کار انتخاب ولیّ امر و معرفّی خلیفه و جانشین بعد از تو مربوط به تو نیست بلکه این کار خود من است و من علی علیه السلام را به ولایت و خلافت بعد از تو انتخاب کرده‌ام تو در این میان تنها جنبه‌ی رسالت و وظیفه‌ی ابلاغ پیام من به مردم داری که:

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...﴾؛

آنچه را که من درباره‌ی ولایت علی به تو گفته‌ام به مردم برسان.

﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾؛

و اگر نرسانی اصلاً به وظیفه‌ی رسالت خود در پیشگاه خدا عمل نکرده‌ای و رسول خدا محسوب نمی‌شوی.

از این بیان معلوم می‌شود که قبلاً این دستور به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله داده شده است ولی آن حضرت در ابلاغ آن تأخیر داشته از آن جهت که مبادا از ناحیه‌ی منافقین متهم شود به این که خودش حکومت کرده حالا که می‌خواهد برود دامادش را برگردن ما سوار می‌کند تا این که این آیه نازل شد و رسول اکرم صلی الله علیه و آله از جانب خداوند حکیم مورد تهدید قرار گرفت که:

﴿وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ﴾

اگر این کار را نکنی و ابلاغ ولایت علی علیه السلام ننمایی رسالت دوام و بقایی نخواهد داشت.

تو کار خود را بکن و علی علیه السلام را از جانب من برای خلافت و جانشینی خودت معرفی بنما.

﴿وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ﴾<sup>۱</sup>

مطمئن باش که خدا تو را از شرّ تهمت مردم مصون و محفوظ نگه می‌دارد.

### اشاره‌ای به ماجرای غدیر خم

از این رو رسول اکرم صلی الله علیه و آله روز هجدهم ذیحجه هنگام مراجعت از حجة الوداع در میان بیابان و کنار غدیر خم دستور توقّف به حجاج داد. منادی به امر آن حضرت ندا درداد: آنان که جلو رفته‌اند برگردند و آنان که عقب مانده‌اند ملحق شوند تا چندین هزار جمعیت که از اطراف و اکناف کشور اسلامی آن روز برای حج آمده بودند در یک جا جمع بشوند و پیام خدا را از زبان پیامبر خدا بشنوند و به اوطان خود که برگشتند آن پیام را به دیگر مسلمانان برسانند. چون آن روز تنها رسانه‌ی عمومی خود افراد مردم بودند که میان بیابان زیر آفتاب سوزان روی ریگ‌های داغ اجتماع کردند در حالتی که هر یک عبا‌ی خود را زیر پای خود می‌انداخت تا روی

۱- سوره‌ی مائده، آیه‌ی ۶۷.

آن بنشیند و از داغی زمین نسوزد و با روی هم گذاشتن چند پالان شتر شبیه منبری درست کردند و پیغمبر اکرم ﷺ روی آن ایستاد و به سخنرانی پرداخت و پس از حمد و ثنای خدا، ضمن خطابه‌ی مفصلی فرمود: این مطلبی که می‌خواهم امروز برای شما بگویم مطلبی است که قبلاً از جانب خدا مأمور به ابلاغ آن بودم ولی به خاطر بودنِ منافقین زیاد در میان شما آن را به تأخیر انداختم اکنون با نزول آیه‌ی تهدید آمیز که :

﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ﴾؛

مؤکداً مأمور به تبلیغ آن شده‌ام در این حال، دست علی علیه السلام را که یک پله پایین تر از خودش او را سر پا نگه داشته بود گرفت و بلند کرد و گفت:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ»<sup>۱</sup>

هر کس که من را از جانب خدا به مَوْلَوِیت خود پذیرفته است بداند که پس از من این علی مولای او است و اطاعتش واجب است.

پس از اینکه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام به این کیفیت از جانب خدا به دست رسول خدا به ولایت و امامت امت تعیین و معرفی شد این آیه نازل شد.

﴿الْيَوْمَ يَبَيِّنُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾؛

امروز که علی علیه السلام به ولایت و امامت امت و خلافت رسول خدا معرفی شد

دیگر کافران و دشمنان دین از این که بتوانند در دین شما مسلمانان رخنه کنند و خللی ایجاد نمایند مأیوس و ناامید گشتند و فهمیدند وقتی علی علیه السلام که در تمام صفات و کمالات در واقع خود پیغمبر است جای پیغمبر نشست بدیهی است که تمام نقشه‌های شیطانی آنها نقش بر آب خواهد شد و لذا خداوند متعال فرمود:

﴿فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ﴾؛

بنابراین شما ای امت اسلامی! دیگر از کفار راجع به دیتان نترسید بلکه از من بترسید که اگر شما در انجام وظیفه و تبعیت از مقام ولایت علی علیه السلام کوتاهی کنید من به کفر این ترک وظیفه شما را از برکات دین و ولایت محرومتان می‌سازم. بعد در ادامه‌ی آیه فرمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا﴾؛

امروز که علی را به ولایت و امامت امت منصوب نمودم و جای پیغمبر نشاندم دین شما را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان یک دین به معنای واقعی‌اش برای شما پسندیدم.

### مفهوم قرآنی نعمت و نعمت

حالا راجع به جمله‌ی ﴿أَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾ توضیحی عرض می‌کنم در این جمله از آیه‌ی شریفه از «دین» تعبیر به «نعمت» شده است هر چه که آدمی را در مسیر زندگی به مقصود مطلوبش برساند و مشکلات را از سر راهش بردارد «نعمت»

است و هر چه که ایجاد مشکلات در سر راهش بنماید «بلا و نعمت» است. حال از یک طرف می بینیم که قرآن کریم همه ی موجودات را برای انسان «نعمت» می داند و می فرماید:

﴿وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾<sup>۱</sup>

خدا نعمت های خود را در ظاهر و باطن بر شما آدمیان فراوان گسترده است.

﴿وَإِنْ تَعْدُوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾<sup>۲</sup>

شما اگر بخواهید نعمت های خدا را به شماره در آورید نمی توانید احاطه به همه ی آنها پیدا کنید.

ولی از طرف دیگر بسیاری از این ها را بلا و نعمت می شمارد و می فرماید:

﴿إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوٌّ لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ﴾<sup>۳</sup>

حقیقت اینکه برخی از همسران و فرزندان شما دشمن شما هستند از آنها برحذر باشید.

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ﴾<sup>۴</sup>

بدانید که اموال و اولاد شما وسیله ی آزمایش شما هستند و مراقب باشید که از طریق آنها جهنمی نشوید.

۱- سوره ی لقمان، آیه ی ۲۰.

۲- سوره ی ابراهیم، آیه ی ۳۴.

۳- سوره ی تغابن، آیه ی ۱۴.

۴- سوره ی انفال، آیه ی ۲۸.

پس راه جمع بین این دو مطلب از دیدگاه قرآن کریم این است که بدانیم خداوند حکیم هدف و مقصودی برای خلقت انسان مقرر فرموده است و لذا هر چه که آدمی را در رسیدن به آن هدف کمک کند «نعمت» است و هر چه که او را از نیل به آن هدف بازدارد «نقمت» است و آن هدف از خلقت انسان از دیدگاه قرآن کریم «عبادة الله» و «لقاء الله» است یعنی خدا را عبادت و بندگی کردن و برای لقاء و دیدار خدا در عالم آخرت آماده شدن، چنانکه فرموده است:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup>

من جنّ و انس را نیافریده‌ام مگر برای اینکه مرا عبادت کنند.

و در آیه‌ی دیگر هم فرموده است:

﴿يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ﴾<sup>۲</sup>

ای انسان! تو بار سفر بسته و با تحمل رنج و تعب به سوی خدایت داری

پیش می‌روی و سرانجام به لقاء و دیدار او می‌رسی.

حال آنچه که عالم انسان را در رسیدن به هدف از خلقتش که «عبادة الله» و «لقاء الله» است کمک می‌کند «دین» است که با دستورات آسمانی‌اش هم راه عبادت خدا را به انسان نشان می‌دهد و هم او را از طریق عبادت به شرف لقاء و دیدار خدا نائل می‌سازد. پس در واقع نعمت بزرگ خدا بر بشر «نعمت دین» است و اگر دین از

۱- سوره‌ی ذاریات، آیه‌ی ۵۶.

۲- سوره‌ی انشقاق، آیه‌ی ۶.



دست بشر گرفته شود از رسیدن به شرف هدف اصلی از خلقتش که «لقاء الله» است محروم می شود و خلقتش لغو و بی ثمر می گردد. و از طرفی هم می دانیم که دین در هر زمان دشمنان و مخالفان فراوان داشته و دارد که علی الدوام می کوشند از راه های گوناگون نیروی آن را هم بشکنند و آن را در نظر مردم بی اساس جلوه دهند از این رو «دین» احتیاج به یک «ولی معصوم» منصوب از جانب خدا دارد که در پناه قدرت آن ولی الهی هم محفوظ بماند و هم مورد اجرا قرار گیرد. در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خود آن حضرت آن ولی معصوم بود و پس از آن حضرت، امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام منصوب به ولایت شد و «نعمت دین» در پناه «ولایت او» به کمال و تمام رسید و خدا فرمود:

﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي؛

امروز روز غدیر با نصب علی علیه السلام به ولایت، هم دین شما را کامل کردم و هم نعمت دین را بر شما تمام نمودم.

### ولایت ولی معصوم علیه السلام لازمه ی دین

و لذا ما شیعه ی امامیه معتقدیم که دین مقدس اسلام باید در پناه ولایت ولی معصوم قرار گیرد و آن ولی معصوم را هم خداوند حکیم، خودش در این آیه ی شریفه معین و معرفی کرده است:

﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ﴾<sup>۱</sup>

۱- سوره ی مانده، آیه ی ۵۵.

با کلمه‌ی «آتما» که دلالت بر انحصار دارد فرموده است منحصرأ ولیّ شما در رتبه‌ی اوّل «خدا» است که تشریع شریعت می‌کند و در رتبه‌ی دوّم «رسول خدا» است که دین و شریعت خدا را به شما ابلاغ می‌کند و در درجه‌ی سوّم ولیّ شما همان کسی است که بر اساس ایمان به خدا و رسولش اقامه‌ی نماز کرده و در حال رکوع نماز ایتاء زکات می‌نماید. در اینجا اسم او را نبرده بلکه با نشان دادن صفت خاصی او را معرفی کرده است و مفسّران شیعه و سنی در تفسیر این آیه متّفقند که او جز امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام کسی نبوده است که در مسجد در حال نماز، سائلی آمده و درخواست کمک کرده و کسی به او چیزی نداده است امام علی علیه السلام که در حال رکوع بوده با اشاره‌ی انگشت به آن سائل فهمانده که انگشت را از انگشتش بگیرد و ببرد.

حالا در قرآن آمده که ولیّ شما بعد از خدا و رسول همان کسی است که در حال رکوع نماز ایتاء زکات کرده است.

حاصل کلام این شد که انسان اگر در دامن دین قرار گرفت و با راهنمایی دین همه چیز را در راه رسیدن به هدف از خلقتش که «لقاءالله» است مورد استفاده قرار داد همه چیز برای او «نعمت» خواهد شد و اگر از مسیر دین انحراف پیدا کرد و به راه طغیان بر خدا افتاد و همه چیز را در این راه مورد استفاده قرار داد قهراً همه چیز برای او «بلا و نعمت» می‌شود.

پس دین برای انسان نعمت و نعمت‌آفرین است آنگاه دین هم وقتی نعمت

می شود که در دامن ولایت ولیّ معصوم قرار گیرد و به وسیله ی او بیان و اجرا شود و گر نه به دست دیگران که بیفتد همین دین بلا و نعمتی بزرگ برای بشر می شود.

﴿وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا﴾<sup>۱</sup>

جز زیان و فساد و تباهی چیزی به بار نمی آورد.

پس نعمت اصلی و اساسی خدا برای عالم انسان، نعمت ولایت ولیّ معصوم است که در سایه ی ولایت او دین «نعمت» می شود و همه ی وسائل زندگی نیز در دامن دین نعمت می شوند. اما اگر بشر نادان، ولیّ معصوم را کنار زد و دیگران را جای او نشاند دین را از دست داده و با از دست دادن دین از رسیدن به هدف از خلقتش که «لقاء الله» است محروم گشته و همه چیز عالم برای او «بلا و نعمت» شده است. و لذا خداوند حکیم می فرماید:

﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ۖ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ﴾<sup>۲</sup>

آیا ندیدی آن کسانی که نعمت خدا را تبدیل به کفران نموده اند و مردم را به هلاکت گاه جهنّم که جایگاه بدی است جا داده اند چه خیانت بزرگی به مردم کرده اند.

۱- سوره ی اسراء آیه ی ۸۲.

۲- سوره ی ابراهیم، آیه ی ۲۸ و ۲۹.

## کفران نعمت به جای شکر نعمت

هنوز جنازه‌ی پیامبر روی زمین بود که تشکیل سقیفه‌ی بنی ساعده دادند و علی علیه السلام ولی منصوب از جانب خدا و رسولش را کنار زدند و دیگری را جای او نشاندند.

﴿بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا﴾

به جای اینکه شکر نعمت خدا کرده و سر در مقابل ولایت علی علیه السلام فرود آورند کفران نعمت کرده و سر در مقابل حکومت دیگری فرود آوردند و امت واحده‌ی اسلامی را به هفتاد و دو فرقه و مذهب مبدل نمودند.

﴿أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ﴿٦٦﴾ جَهَنَّمَ﴾

مردم را به سمت جهنم که محل عذاب جاودانه است سوق دادند و در عین حال خود را خدمتگزار امت اسلام می‌پندارند!

نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.

پس ما خدا را از صمیم قلب و عمق جان شاکریم که مغناطیس روح و جان ما را با جاذبه‌ی ولایت علی علیه الصلوة والسلام متناسب ساخته است و هم اکنون خودمان را می‌بینیم که مجذوب علی ولی خدا هستیم محبتش را در سُویدای قلب خود می‌یابیم از شنیدن نام و سخنانش لذت می‌بریم به سوی قبر شریفش شتابان می‌رویم در مجالسی که برای ذکر فضائل و مناقبش تشکیل می‌شود با شور و عشق تمام شرکت می‌کنیم.

ولی آن نکته‌ای که هیچگاه نباید از آن غافل باشیم این است که لازمه‌ی محبت به معنای واقعی‌اش این است که محب پیوسته می‌کوشد که خود را در تمام حالات و شئون زندگی‌اش به رنگ محبوب خود درآورد و هرگز راضی نمی‌شود سخنی یا کاری که سبب آرزدگی دل محبوبش شود از او صادر گردد. حال آیا ما نسبت به محبوب قلبمان علی علیه السلام چه وضعی داریم خود را تا چه حد در زندگی به رنگ او درآورده‌ایم آیا هیچگاه از ما گفتاری یا کرداری که ناپسند و گناه و دل‌آزار محبوبمان علی علیه السلام باشد صادر نمی‌شود؟ آری این مطلب باید در همه جا و در همه حال مورد توجه و تذکر ما مدعیان حب علی علیه السلام باشد و جدّاً از ارتکاب گناه و مخالفت با دستورات دین بپرهیزیم. واجبات و محرمات دین را طبق دستور رعایت کنیم تا مشمول لطف و عنایت مولا و محبوبمان امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در دنیا و آخرت باشیم ان شاء الله.

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ وَ ارْزُقْنَا مَعْرِفَتَهُمْ وَ مَحَبَّتَهُمْ وَ شَفَاعَتَهُمْ وَ وَفَّقْنَا لِمَا تَحَبَّ وَ تَرْضَى وَ اجْعَلْ خَاتِمَةَ أَمْرِنَا خَيْرًا.

**فراموش نکنیم!**

**از عوامل مؤثر در تقویت شریعت و گسترش معنویت،  
تبلیغ زیبای معرفت و حقیقت است.**

دفتر امور فرهنگی بنیاد خیریّه الزّهراء علیها السلام

### **نشانه‌ی حلال‌زادگی**

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ، مَنْ أَحَبَّنِي وَ أَحَبَّكَ وَ  
أَحَبَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وَلَدِكَ، فَلْيَحْمَدْ اللَّهَ عَلَى طَيْبِ مَوْلِدِهِ،  
فَإِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وَلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا مَنْ  
خَبَثَتْ وَلَادَتُهُ.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ای علی! هر کس مرا و تو را و امامان از نسل تو را دوست  
بدارد، پس باید خدا را بر حلال‌زادگی خود شکر و سپاس  
گوید، زیرا ما را دوست ندارد مگر حلال‌زاده، و ما را  
دشمن ندارد مگر حرام‌زاده. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۴۶

**انتشار مطالب موجود**

**با حفظ محتوا و رعایت کیفیت بلامانع است.**

بنابراین روز هجدهم ذیحجه با تعیین و تقریر ولی و امام پس از پیامبر اکرم ﷺ روزی پربرکت شد. برکاتی اینچنین:

- ۱- کفار از غلبه‌ی بر اسلام مأیوس و نا امید شدند.
- ۲- با معزفی کردن مبین و مجری دین، دین کامل شد.
- ۳- اتمام نعمت خدا بر امت مسلمان که در پناه هدایت ولی معصوم به حیات ابدی و سعادت سرمدی نائل شوند.
- ۴- دین اسلام با مجهز بودنش به اصول اعتقادی متقن از توحید و نبوت و امامت و مزین بودنش به مبانی اخلاق فاضله و احکام مبرهن و مستدلّ صالحه مورد رضا و پسند خداوند حکیم قرار گرفته است.

از متن کتاب

### بخش سخنرانی‌ها و تألیفات

حضرت آیت الله سید محمد ضیاء آبادی (مدظله العالی)

از پایگاه اینترنتی

[WWW.SAFIREHEDAYAT.COM](http://WWW.SAFIREHEDAYAT.COM)

### توجه:

لطفاً پس از مطالعه‌ی این جزوه، در صورت عدم نیاز، آن را به دوستان علاقه‌مند یا کتابخانه یا نشانی ذیل انتقال دهید.  
باتشکر

نشانی: تهران- میدان منیریه - خیابان شهید معیری - نرسیده به

تلفن: ۵۵۳۸۰۵۳۴

چهارراه لشکر- کوچه ارجمند پلاک ۴

